

## سی و چهارمین هنگامه آغاز انحطاط و عقب نشینی

امیرفیض- حقوقدان

آغاز عقب نشینی اعلیحضرت با فعالیت دبیر اولی آقای محمود فروغی در دبیرخانه همزمان است. ترتیب مصاحبه های کیهان لندن و رادیو صدای آمریکا که هر دو بفاصله کمتر از یکسال از یک ترمشخص که قطع تداوم سلطنت و تبدیل اعلیحضرت به «رضاپهلوی» آنهم باتفسیر کیهان لندن مبنی بر اینکه «رضاپهلوی خودش، خودش راشاه مینامد» از فعالیت های دبیر اولی فروغی است.

آقای محمود فروغی بمناسبت فرزندى با فروغی بزرگ و نقش او در حفظ تداوم سلطنت و انتقال آن به ولیعهد وقت و الاحضرت محمد رضاپهلوی، و اینکه در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر به مقامات معاونت وزارت خارجه و سفیر ایران در آمریکا رسید ظاهر بهترین انتخاب برای دبیر اولی دبیرخانه اعلیحضرت بود، ولی چنین برداشتی که ظاهر قضیه است با این اشکال مواجه است که دبیر اولی آقای فروغی تقریباً دو سال بعد از انتشار اسناد سفارت آمریکا بوده که آن اسناد نشان میدهد که آقای محمود فروغی، از طرفداران جدی مهندس بازرگان بوده و در واقع اگر گفته شود مهندس بازرگان ثانی گزافه نیست، چرا که در اسنادی که در همین تحریر ملاحظه خواهید کرد ایشان یعنی آقای محود فروغی حتی بمراتب از بازرگان بیشتر مخالف شاهنشاه ایران بوده است.

آیا میتوان گفت که اسناد مخالفت و دشمنی محمود فروغی با شاهنشاه و سلطنت بهنگام انتصاب ایشان به دبیر اولی دبیرخانه مستور بوده مسلماً خیر. در حالیکه اسناد مزبور در همان تاریخ درسنگر گرچه که نشریه ای کوچک و ناچیز است منتشر شده چگونه ممکن است از دید کسانی که در انتخاب و تحمیل محمود فروغی به دبیرخانه نقش داشته اند پوشیده بوده است.

تصدی آقای فروغی و تسلط ایشان بر دبیرخانه با عنوان دبیر اولی مصداق همان است که؛

### چو زدی با چراغ آید کزیده تر برد کالا

هیچ ایرانی موقعیت آقای فروغی را برای توقف و انحطاط سلطنت رضاپهلوی نداشت، زیرا سابقه او در خدمت به شاهنشاه ایران و شخصیت علمی و سیاسی پدریش سند اصالت و شایستگی او در این سمت بود در حالیکه او حقیقتاً دزدی بود برای انحطاط و توقف آنچه که اعلیحضرت بر آن سوگند یاد فرموده بودند.

این ادعا موضوع کوچکی نیست، دلیل معتبر و محکم میخواهد تا جواز نا اصل بودن سوابق او را صادر کند که در همین تحریر به آن دلیل محکم و معتبر رجوع خواهد شد.

### اولین اقدام مشهود آقای فروغی

اولین اقدام مشهود و بسیار پر بار آقای فروغی بیانیه منتسب به اعلیحضرت بود بمناسبت درگذشت شریعتمداری که به ظاهر یک حرکت اداری دبیرخانه محسوب میشد و مفاهیم و اثرات سیاسی آن چون گورکافر پرخلل و نامشهود بود.

اعلامیه مزبور این پرسش را در همان زمان مطرح ساخت درحالیکه بمناسبت ترور ارتشبد اویسی و یاکشتارامیران ارتش شاهنشاهی ایران در داخل و خارج اعلامیه ای داده نشده، درحالیکه بمناسبت سالگرد درگذشت شاهنشاه آریامهر یادی نشده و اعلامیه ای داده نشده درحالیکه بمناسبت روزنجات آذربایجان و پیروزی شاهنشاه و ارتش شاهنشاه اعلامیه و یا بیانیه ای انتشار نیافته و..... انگیزه تجلیل از کاظم شریعتمداری که سلطنت رطاغوت نامید چه بوده است؟

به این پرسش در سنگراول خرداد ماه سال (۲۵۲۵) ۱۳۶۵ چنین جواب گفته شده است:

حنیت و انگیزه واقعی از صدور اعلامیه بمناسبت مرگ شریعتمداری، جزئی از کل توطئه ای است که متأسفانه دبیرخانه شهرداری ایران در آن، نقش فعال و سهم بزرگی دارد و هدف از این توطئه فراهم ساختن زمینه های مساعد برای بازگشت جناح مصدقی شورش به قدرت و مترادف آن بی اعتباری سلطنت و دورنگهداشتن شهرداری ایران از خط مبارزه و خالی ساختن خط سلطنت خواهی از سلطنت طلبان است.

شخصیت رهبری کننده این طرح و توطئه، جناب آقای محمود فروغی مشاور اول و رئیس دبیرخانه شهرداری ایران است که با فراست و هشیاری خاص، این توطئه را کارگردانی میکند خداوند موفقشان ندارد. ( از همان سنگر صفحه ۴)

تأثیر نخستین کار محمود فروغی یعنی اعلامیه بمناسبت مرگ شریعتمداری، اول جواز ورود جمهوریخواهان به میدان مبارزه بود و دوم تزلزل در اعتقاد سلطنت طلبان به خط مبارزه ای که اعتقاد سیاسی آنها آنرا مفروش ساخته بود، زیرا تجلیل در کار سیاسی متوجه عقیده سیاسی افراد است نه صفات شخصی افراد و تجلیل از شریعتمداری که سلطنت را طاغوت و ناروا و جمهوری راحق میدانست از طرف شهرداری ایران معنای خاص خودش را داشت.

**حاشیه** - کسانی که مدعی اند شهرداری ایران در ارتباط با سوگند سلطنت ناچار بودند که اعلامیه مزبور را بدهند ادعایشان وارد نیست زیرا اولاً تجلیل از شخصیت های اهل تشیع زمانی است که آنها علیه شاه خروج نکرده باشند، و دوم اینکه اعلیحضرت سوگند مقرر در اصل ۳۹ را یاد نکرده و اتیان آنرا موکول به فراهم آمدن مجالس کرده اند. بنابراین اشاعه و ترویج مذهب شیعه، تا اتیان سوگند مزبور در مقابل مجلسین، از جمله تکالیف ایشان نیست و در سوگندی هم که نهم آبان یاد فرموده اند اشاره ای به ترویج مذهب شیعه نشده است، و مهمتر از آن، نظریه اینکه مراجع تقلید با فتاوی خود سلطنت را طاغوت دانسته اند مادام که با فتاوی متفق دیگری اثر فتاوی قبلی مرتفع نشود برای پادشاه رعایت حقوق و احترامات خاصه برای مراجع تقلید لازم نمیگردد. زیرا؛ ماده ۱۷ قانون مطبوعات که در امرداد سال ۱۳۴۴ (۲۵۰۴) بتصویب مجلس رسید که توهین به شخص اول مقام روحانیت برابر با توهین به مقام سلطنت شناخته شده، در ماهیت، حکم احترام متقابل را دارد نه یکطرفه.

فراموش نشود قانون مزبور و همچنین قانون معافیت آخوند ها از نظام وظیفه خلاف قانون اساسی است چرا که اصل هشتم متمم قانون اساسی همه افراد کشور را در مقابل قانون متساوی الحقوق دانسته است. (پایان حاشیه)<sup>۱</sup>

### آثار خاص اعلامیه تجلیل از شریعتمداری

دآری بتحقیق، اعلامیه همایونی بمناسبت مرگ شریعتمداری سبب خالی شدن خط مبارزه از سلطنت طلبان خواهد شد و مشاورین شهرداری ایران و آقای فروغی با آگاهی دقیق و عمیقی که نسبت به اثرات اعلامیه مزبور دارند در تنظیم

<sup>۱</sup> - من آذربایجانی هستم و پدرم تعریف می کردند، پس از پیروزی ارتش در نجات آذربایجان که شاهنشاه به تبریز سفر کرده بودند مورد استقبال آیت الله شریعتمداری و منشی طلبه قرار می گیرند- شریعتمداری در آن مراسم گویا «پاگون» (سردوشی) اعلیحضرت را می بوسند. که در بازار تبریز و در میان مخالفین شاه بلبشو بوجود می آید ولی آیت الله شریعتمداری به انواع حیل و نیرنگ ها سرو صدا را می خواباند و میگوید شما خبر ندارید من حین بوسیدن سردوشی بصورت درگوشی درخواست هایی کردم که مورد موافقت قرار گرفت. او دروغ می گفت و می دانیم بعد ها چه رفتاری را پیشه کرد. ولی ملا همواره منافق است، آنچه در دل دارد با زبانش یکی نیست، ملا هرگز اسلامش را فدای چیز دیگری نمی کند. ح-ک

اعلامیه مزبور اصرار داشته اند چنانکه از بعد آن اعلامیه بود که جمهوری خلق مسلمان که تا آن تاریخ بکل مرده و مفقود بود، آغاز به ابراز وجود کرد و با آگهی پشت آگهی مردم رابه پیوستن به خودشان دعوت کردند، به آگهی های نیم ورقه ای کیهان لندن رجوع کنید، ناظر خواهید بود که چگونه پس از صدور اعلامیه شهریار ایران، دامها گسترده شد و این بی حیایای گسیخته افکار تحت عنوان جبهه بازگشت به جمهوری خلق مسلمان، فرزند آذربایجان!، ابر مرد تاریخ ایران! و امثال آنها رابه خودشان دادند تا میخ جمهور اسلامی را بدون ولایت فقیه یعنی همان تز جناح مصدقی شورش و طرح جرج بال رابه اجرا در آورند. < از سنکر ۲۴ خرداد ۶۵ (۲۵۲۵)

صدور اعلامیه تانید و تجلیل از شریعتداری بی حساب نبود مصادق ضرب المثل <اول چاه و بعد منار> بود برای توقف حرکت سلطنت طلبی که در آن زمان حادثیت فوق العاده ای داشت لازم بود بی التفاتی و تغیر ایرانیان به جمهوری بویژه خلق مسلمان به التفات و توجه تغیر موضع بدهد و اعلامیه تجلیل از شریعتداری دقیقاً طریقی بود که میتوانست خلاء مبارزه را بسود جمهوریخواهان پر کند.

### واما سند این ادعا

تقدیر بیان، اگر به اعتبار دلیل و سند ضرب نشده باشد

در حکم سکه تقلبی است

هیچ دلیلی بر اثبات اینکه آقای محمود فروغی در رابطه بامسائل سیاسی ایران بازرگان ثانی بوده و حقانیت نهضت آزادی را در اداره کشور مختص بازرگان و نهضت او میدانسته محکم تر و با اعتبار تر از اعترافات خود ایشان نیست.

آقای محمود فروغی مانند بسیاری از دولتمردان و افراد عادی ایران در واقع منافق بودند یعنی زبانشان با آنچه در قلب و فکر دارند تفاوت دارد آقای فروغی در راستای این اخلاق ناپسند آنچه در زبانش هست به مردم و آنچه در فکر و دلش هست به بیگانه که ارباب اوست در میان گذاشته است و در واقع سفره دلشان را پیش آمریکانیها باز میکنند.

اکنون از خواننده محترم این تحریر دعوت میشود که باتفاق به سفره اعتقادی ایشان که برای هنری پرشت رئیس بخش امور خاور نزدیک باز کرده شرکت کنیم.

### مشخصات سند مزبور:

آقای هنری پرشت مدیر امور ایران

اداره امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی

وزارت امور خارجه و اشنگتن دی سی

یادداشت مذاکره

شرکت کننده گان سفیر کبیر- محمود فروغی و هنری پرشت - بخش امور خاور نزدیک / ایران

مکان ملاقات سالن پذیرائی وزارت خارجه

تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۶ شهریور ماه ۵۸

این سند که در جلد ۲۸ اسناد سفارت آمریکا، فارسی و انگلیسی آن درج شده است عینا به سنگر ۲۹۳ مورخ اول امرداد ماه منتقل گردیده است و چون سند مفصلی است که برخی از قسمتهای آن مربوط به عملکرد پدر آقای فروغی در انتقال سلطنت به شاهنشاه آریامهر و روابط او با هویداست و ارتباطی به این تحریر ندارد بهتراست فقط به قسمتهایی که دلیل ادعاست اشاره گردد.

### هنری برشت

هنری برشت که طرف مذاکره با آقای فروغی بوده نامی بسیار آشنا در تاریخ سیاسی شورش ۵۷ (۲۵۱۸) است و بویژه اینکه ایشان همان کسی است که طرح قطع تداوم سلطنت و عدم قبول قانون اساسی مشروطه را در انتقال سلطنت بولیعهد تنظیم و مورد موافقت وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت و در اجرای این طرح به خاندان سلطنت و طرفداران شاه تکلیف شد که حق مبارزه علیه جمهوری اسلامی را ندارند.

نظریه اینکه مشروح طرح مزبور همراه مستندات آن بکرات بتحریر رفته، به تحریر حاضر اجازه فرمائید که بی نیاز از ارائه طرح باشد.

این مختصر بدان سبب عرض شد که باقران سند که هم اکنون به سراغ آن میرویم فارغ از هرگونه تردید بشویم که مامور اجرای طرح مزبور در صدر مامورین دیگری که برای جا انداختن و نظارت بر اجرای طرح مامور شده بودند آقای محمود فروغی بوده است.

### قسمتهایی از سند مزبور

«..... فروغی قبل از سال ۵۷ ایران را ترک کرد و او برای بدست آوردن تابعیت ایالات متحده اقدام نموده است.

فروغی معتقد است که برتری ملاها یک دوره گذراست ولی میترسد که ممکن است کوتاه نباشد ملاها برای اداره کشور مجهز نیستند ولی سوال اینست که چه نوع دولتی جانشین آنها میشود. او (آقای محمود فروغی) ایمان دارد که ملی گراهای میانه رو غلبه خواهند کرد.

..... من (مقصود هنری برشت است) خطوط سیاسی که ما در قبال ایران دنبال میکنیم را برای آقای فروغی تشریح کردم (۱)

او فکرمیکند که این مهم است که بمردانی نظیر بازارگان قدرت بخشیده شود برای اینکه آنان مردانی پاک و قابل هستند و تنها امید ایران در حال حاضر میباشند. (۲)

..... من به فروغی مشکل سختی را که ایالات متحده در درگیری باتمایل شاه به آمدن به اینجا روبرو بود گفتم که آیا امکان دارد که شاه ادعایش را از تاج و تخت انکار نماید؟ (۳) فروغی گفت ما میبایستی تشخیص میدادیم که شاه شخص ضعیفی بود که مقدراتش در هربحرانی بوسیله دیگران نجات داده میشد، اگر دولت موقت بازارگان پیشنهاد معامله ای به او میکرد وی ممکن بود ادعایش را پس بگیرد ولی هیچ دورنمایی برای این موضوع همانطوری که در افغانستان بوده است وجود ندارد. شاه بسختی مورد تنفر است ایرانیان ممکن است فکر کنند که سه سال پیش وضعیتشان بهتر بود ولی هیچکس پیشمان نیست.

فروغی فکرمیکند خیلی، خیلی برای ایالات متحده و غرب بد خواهد بود اگر شاه در اینجا سکنی گزیند. (۴)

..... بگذار شاه به آفریقای جنوبی برود ..... او دوست حقیقی ایالات متحده نبوده است و ما را برای مزیت خودش مورد استفاده قرار داده است. (۵)

اشاراتی مختصر برای ختم این تحریر

در سنگراول خرداد ماه ۶۵ (۲۵۲۵) مقاله «سرنوشت» در ۲۴ صفحه همراه با انتشار اسناد سفارت آمریکا درباره آقای فروغی، مفصل بحث و تحلیل تعلق یافته است که تکرار آن این تحریر را بسیار مفصل میسازد که ممکن است خوانندگان محترم را خسته کند تنها اشارت مختصری نسبت به فرازهایی که شماره گذاری شده است شاید مورد پسند قرار گیرد.

- ۱- آنجا که هنری برشت میگوید «خطوط سیاسی که مادر قبال ایران دنبال میکنیم را برای آقای فروغی تشریح کردم» خطوط سیاسی همان طرح معروف به طرح هنری برشت است.
- ۲- فروغی از آمریکا میخواهد که به بازرگان قدرت ببخشند و این همان است که بازرگان گفت اگر حمایت آمریکا نبود ماموقف نمیشدیم.

هنگامیکه فروغی متصدی دبیرخانه شد برخی از سازمان های سلطنت که این انتصاب را به فال نیک گرفتند از دبیرخانه درخواست کمک های فکری و مالی کردند پاسخ شنیدند که «این کمک ها مبارزه شما را از اصالت خارج میکند» (مشروح در همان سنگر) ولی میبینید که چگونه از آمریکا نیا کمک به بازرگان را خواستار شده است.

- ۳- سوال هنری برشت مبنی بر اینکه آیا ممکن است شاه ادعای خود را بر سلطنت پس بگیرد، همین عبارت هنری برشت دقیقاً در مقدمه طرح او دیده میشود.
- ۴- چقدر بی شخصیتی و نامردی و بیشرمی لازم است که در آن شرائط، ایشان با آن دینی [بدهکاری] که خودش و برادرانش و پدرش به سلطنت و شاهنشاه ایران داشته این چنین نمک بحرامی و ردالت خود را آنهم نزد بیگانه ای که خنجر بروی شاه کشیده نشان دهد این چنین بیشرمی حتی از بازرگان هم شنیده و دیده، نشده است.

ملک الشعراى بهار در وصف فروغى بيتى دارد كه ميتوان به عبارت مشت نمونه خروار است از آن استفاده كرد.

شاهكم از خبث فروغى خبرت  
خون ميكند اين جهودناكس جكرت  
خطبه شى و عزل ترا خواهد خواند  
زان گونه كه خواند از براى پدرت

- ۵- آمریکائیهای نامرد، طلبکار هم شده اند (و این شاه ایران بود که از آنها سوء استفاده میکرد!!)

هر انسانی که ذره ای عقل شرف داشته باشد محال و ممتنع است که نسبت به آمریکا و همکاری با آن کشور به اندازه یک ارزن اعتماد داشته باشد حتی در حالیکه در حدکمال، خدمت نوکری و وطن فروشی به آنها بدهد.

«اورن گویبا» در نشریه ایندپندنت نیویورک نوشت: «اصولاً آمریکا در برخورد با کشورها سیاستی دوگانه دارد و هرگاه کشوری از فرمان های آمریکا نافرمانی کند حتی اگر سالها دوست آمریکا بوده، دشمن تلقی میشود».<sup>۲</sup>

۲- مگر انگلستان و با دیگر کشور های استعمارگر این روش را دنبال نمی کنند. انگلستان حریف را زود از میان می برد و فوری نقشه قتل پیش می آید آنهم بصورت، افتادن از اسب، سقوط هواپیما؛ یا غرق شدن قایق و یا تصادف اتومبیل. ح-ک

### سوالی با جواب مهم

در حالیکه فروغی آینده ایران را از آن بازرگان و تیم اوو آنها را امید ایران میدانسته و از آمریکا هم برای موفقیت آنها کمک میخواست و آنها را مردمی پاک و قابل اطمینان معرفی میکند پس چرا دبیرا ولی دبیرخانه اعلیحضرت را پذیرفت؟<sup>۳</sup>

مقام دبیرا ولی و مشاور عالی در واقع همان مقام صدراعظمی است که قبل از مشروطیت در بارگاه سلاطین ایران مرسوم بوده است، این مقامی بوده قادر مطلق در تحت تاثیر قرار دادن شاه آنهام شاه جوانی که یکی دو سال است که به سلطنت رسیده است.

فروغی در آن مقام توانست دقیقاً طرح هنری برشت را تمام و کمال پیاده کند و پایه کار را طوری گذاشت که دبیران بعدی در همان جهت حرکت کردند.

اینجانب یکبار برای همیشه با فروغی بوسیله تلفن صحبت کردم و مسائلی را که میتوانی حدس بزنید در میان گذاشتم میدانید پاسخ من چه بود فقط یک کلمه <سلائق فرق میکند>

به امید ادامه هنگامه ها

---

<sup>۳</sup> - مگر امروز اشخاصی در همین ردیف در مقام مشاور و اتاق فکر و تنظیم کننده برنامه های ملاقات اعلیحضرت در دفتر و کنار ایشان گنجانده نشده اند. ح-ک